

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۰۸ اگست ۲۰۱۵

## مجلس پنجاه و پنجم (در رضاء به خواست خدا)

بامداد روز جمعه ماه رمضان سال ۵۴۵ هجری قمری، شیخ (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه چنین فرمود: هر کس میخواهد رضاء به قضا الهی برایش متحقق شود، باید همواره بیاد مرگ باشد، یاد مرگ مصائب و مشکلات را آسان می گرداند. آنرا (قضای خداوند) بر خود و فرزند و دیگر متعلقات سخت مشمار، و بگو: خداوند از من بهتر بمصالحم آگاه است. و هرگاه بر این حالت مداومت داشتی، لذت رضاء سازگری بامقدرات برایت حاصل میشود، و آفات و بلاها بکلی از تو رخت بر می بندند، و بجای آنها نعمت های بزرگ الهی بسویت می آیند، چون رضاء بخواست خدا، همواره موجب میگردد که از هر جانب نعمت و رحمت حق بر بنده نازل شود.

وای بر تو! ای غافل از خدا، اشتغال به خلق تر از ازیاد حق باز ندارد. کمتر از خدا وسعت رزق و روزی طلب کن، شاید بسود تو نباشد، تونمیدانی که سود زیانت در چیست، بس خاموش باش و به رضای حق قانع، و در تمام احواک شکر و سپاسگزاری را نسبت بدو آداء نما. اگر وسعت رزق یافتی و زبان شکر گویان بود؟ آن وسعت و گشایش برایت فتنه است، و همچنان اگر تنگدستی و فقر همراه صبر نباشد، باز فتنه است. شکر منعم موجب از دیاد نعم میشود و به قرب حقت میرساند. صبر موجب ثبات عقیده، و ناصر و موید آنست، و سبب خیر دنیا و عاقبت می گردد اما اعتراض بخواست خداوند حرام و عاملی است جهت تکد و وسایهی ظاهر و باطن.

وای بر تو! بجای اینکه خود را به اعتراض و خرده گیری در مورد افعال خدا سرگرم کنی، دل را بخدا مشغول دار، تا بلاها از تو دور شود و آفات خاموش گردد. و توای مدعی باطل بر چه کاری؟ خدای عزوجل بر خزائن رحمت خود و محبت خود آگاه است. از او بخواه که ترا مشمول عنایت خویش گرداند. هرگاه دچار حیرت و سرگردانی شدی بگو: «**یادلیل المتحیرین**» مرا بشناخت خود راهنمایی فرما، و بلا نازل را از من دور بدار. و اما آنکه در مقام قرب است در تمام احوال، خاموش است و ساکت، و به نظاره حق مشغول، بمنزله مهمانی است که هر چه برایش حاضر کردند، اعتراض نمی کند، بلکه باحسن ادب از آن استفاده میکند، و اگر غذایی را بدو تعارف کردند. بجهت اجرای امر استفاده خواهد، نه بااختیار و اشتیاق نفس.

بدان که سوال و درخواست بهنگام دوری و بعد است، و سکوت در زمان قرب. قوم (اولیاء الله) کسی جز ذات حق رانمی شناسد، علاقه ارباب دنیوی را زدل برکنده اند، و از دلبستگی به اسباب مادی کاملاً تهی شده اند، اگر روزها و ماهها بخوردنی و نوشیدنی دسترسی پیدانکنند، اظهار عجز نمی نمایند، و کاملاً بی مبالا تند، زیرامی دانند که مغذی آنان ذات حق است، هر وقت بخواهد آنانرا غذا میدهد.

هرکس مدعی خداوستی باشد، دست توقع بسوی دیگران دراز نماید، در ادعای خود کاذب است. و تنها زمانی مهمان خوان بی دریغ الهی می شود که به مقام محبوبیت نائل آید، و در اینچنین حالتی است که به وی می گویند: آنچه راکه میخواهی طلب کن و استفاده نما. محب و دوستدار، در حال قبض است، و محبوب در حال بسط، حرمان و نومیدی خاص محب و عطا و بخشش از آن محبوب است. بنده تازمانیکه در مقام محب است، در حال رنج و زحمت و کسب قوت است، و هرگاه بدرجه محبوب ارتقاء یافت، رنجها پانان می پذیرد، و وسعت رزق و رفاه و آسایش از هرجانب بدوروی می آورد، و این به برکت صبر و ثباتی است که در حال محبت داشته است.

حب خلق نسبت بخدا و عنایت خدادرباره بنده، بمانند محبت و عنایت خلق نیست «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».

خداوند باضرب المثل مردم رابه فهم معانی و صفای قلب و امیدارد. و به هرکس که بخواهد پاکی دل و کثرت رزق قلب عطا میفرماید. برخی از افراد این قوم (اولیاء الله) چنان دارای وسعت قلب میشوند، که تمام آسمانها و زمین در آن جای می گیرد، دل این مردان خدایسان عصای موسی است، عصای موسی دریادی امر در مقام حکمت بود، و سپس به مقام قدرت رسید، ابتدا زاد و توشه اش راکه نمی توانست حمل کند بوسیله آن برمیداشت، هرگاه در طی طریق خسته میشد بر آن تکیه میزد، به هنگام خواب خطرها را از وی دفع میکرد، از هرگونه میوه ای برایش بیارمی آورد، به هنگام استراحت درسایه اومی غنود، قدرت خدارا در آن میدید، بوسیله آن قدرت آشنا شد، و زمانی که به پیغمبری مبعوث گردید، خداوند مقربش گردانید، و اینچنین مخاطبش ساخت: «مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى؟ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَ أَهْشُ بِهَا عَلَى غَمِي وَلِي فِيهَا مَارَبٌ أُخْرَى»

- (ای موسی آنچه راکه در دست راست داری چیست؟ گفت: این عصای من است که بر آن تکیه می کنم و به وسیله آن گوسفندانم رامیچرانم، و بآن کارهای دیگری نیز انجام میدهم. سوره طه آیه ۷۱). و سپس بدو خطاب آمد که یا موسی عصابت را بر زمین انداز، همینکه آنرا بر زمین انداخت، بصورت مار بزرگی درآمد و موسی از آن گریخت، خطاب رسید، باموسی «خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَتُعِيدُهَا» - (آن را بردار و مترس، آنرا بحال اول برمیگردانیم. سوره طه آیه ۲۱).

مقصود از این امر همانا آگاهیدن موسی بقدرت خویش (خدا) بود تا قدرت و جبروت فرعون را در دیدگاهش کوچک و حقیر نماید، برای جنگ با فرعون و قومش را و آماده نماید، و به خرق عادات آشنایش کند، و اگر در ابتدا دچار ضیق صدور قلب بود، او را وسعت قلب و مقام نبوت اعطا فرمود.

ای جاهل، کیست که این قدرت را ندیده بگیرد و در برابر آن عصیان نماید؟ پس آنکسیکه تراهرگز از نظر دور نمیدارد، فراموش مکن، کسی که آنی از تو غافل نیست، تونیز از وی غافل مباش. مرگ را بیاد آور، بدان که فرشته مرگ نگهبان تست. هشیار باش، که جوانی و مال دنیا و تمام آنچه راکه بدان دلبسته ای از تو گرفته میشود، و تمام افراط و تفریطها و عمرهائی راکه در راه باطل ضایع نمودی به یادت خواهند آورد، و تو پشیمان میشوی، اماندات و پشیمانی دیگر سودی ندارد. بزودی خواهی مرد و این گفتار و نصایح مرا بیاد خواهی آورد، و آرزو میکنی که ایکاش در نزد من بودی، و دوباره نصایحم را میشنیدی. کوشش کن که قول مرا بشنوی و بدان عمل کنی، تا در دنیا و عقبی نزد من باشی. در مورد من حسن ظن داشته باش، تا از سخنانم بهر مندشوی. نسبت به تمام مردم نیز با حسن ظن رفتار کن، تا هم خویش و هم دیگران از وجود هم بهره مند و کامیاب گردید. تاز میانیکه از حالت اتکاء بخلق خارج شدی، بحق خواهی پیوست، و چیزهائی را خواهی دید، که تاکنون هیچ چشمی آنرا ندیده، و هیچ گوش نشنیده، و بردل و خاطر احدی خطور نکرده است. امامتاسفانه آنچه که تودر آنی درست نیست، بنیانش سست و بی اعتبار است، مزبله است برپشته ای قرار گرفته. توبه کن و بحق برگرد، و از او بخواه که از طلب دنیا و اعراض از آخرت بازدارد.

وای بر تو! خداوند برایت فقر برگزیده است، و تو در طلب توانگری هستی! آیا نمیدانی که چرا در مقابل گزینش و اختیار خداوند، اکراه داری؟ - پس بدان که - هوای نفس و شیطان طبع و دوستان ناباب، بدین اختیار حق معترضند، بنابراین

باتمام آنهائیکه در برابر اختیار حق اعتراض می کنند، جدائی کن، و به آنها توجه مکن، و بجهت رضای حق عزوجل با آنان به ستیزه بر خیز. به آنچه قلب و باطن بتو امر می کنند گوش فراده، زیرا آنان فقط به نیکی امر میکنند، و از شروبدی باز میدارند. به فقر خداخواسته نه خودخواسته راضی باش، چون رضایت در این خصوص بمنزله غنا و توانگری است، زیرا در فقر همراه با صبر، عصمت و جود دارد، و موجب امنیت بنده در برابر گزند معاصی میشود، و هرگاه بنده در قیال فقر، صبر و شکیبائی داشت، اجر و پاداش خواهد داشت که کسی قادر به ارزیابی آن نیست. تو شتاب و عجله داری، و بدان شتابنده چیزی بدست نمی آورد، چون عجله از اعمال شیطان است، و تائی از او امر رحمان، هرگاه عجله کردی، از یاران شیطانی، و هر وقت صبر و تائی داشتی از جنود رحمان بشمار می آئی.

حقیقت تقوی انجام کاری است که خداوند بدان امر کرده، و ترک آنچه که او به متارکه آن دستور داده است، و همچنین صبر بر مقدرات و سایر آفات، نشان تقوی است. شما سراپا نفس، سراپا هوی، تماما غیبت، و کلا طبع و میل می باشید، از خدا و از عرفای حقیقی بی خبرید، شما و سایر همراهان دیوانگانید. زمان سپری شده دیوانگی، تنها آزمای است که بنده مجنون حق شود.

(یا غلام) تو از آخرت غافل، و به دنیا می پردازی. حال خود و دوریت را از اولیاء الله پنهان میکنی، مجالس آنان را ترک نموده و به رأی خویش مغروری، آیا نمیدانی که هر کس استبداد رأی داشت گمراه میشود؟ هیچ عالمی نیست که همواره نیازمند از دید علم نباشد، هیچ عالمی نیست، که از او عالمتر کسی نباشد، خداوند متعال فرموده است: **«وَمَا أَوْتَيْنَاهُ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»** - (همانا جز اندکی بشما علم داده نشده است. سوره اسراء آیه ۸۵).

پس برتولازم است باجماعت و سواد اعظم موافقت نمائی، و راه روان جاده حقیقت را متابعت کنی. **«اتَّبِعُوا وَلَا تَبَدُّعُوا فَقَدْ كَفَيْتُمْ»** - (راستان را پیروی کنید و نوآور و بدعت گذار نباشید، شمارا بسنده است). این راه را، با عجله و نفس و هوی نمیتوان طی نمود، بلکه با عمل و اخلاص و ترک قدرت و توان از خود، و تسلیم شدن بخدا و ترک عجله و صبر تائی میتوان سپری کرد، این کاری است که با عجله انجام نمی پذیرد، این امر نیازمند همراه مردان شدن است. سلاطین معرفت الله راهنمائی کن تا به جاده معرفت هدایت نمایند، و در رکابشان قدم بزن تا رنجهایت را زایل کنند. اگر محبی در پشت سر آنان قرار میگیری، و همینکه بمقام محبوبیت رسیدی، دیگرانند که بدنبال تومی آیند، هر کس حلاوت این مقام را چشید، خدارا شناخته است. نشستن باشایستگان نشان شایستگی است، و همنشینی با دروغگویان و منافقین موجب برانگیختن خشم خداوند است.

برتولازم است که همواره مراقب حق عزوجل باشی، و نفست را بر اجرای آنچه که امر حق است و ادا نمائی. اگر سعادت دنیا و آخرت را خواهانی، خواست خدارا نسبت به خود به دیده رضابنگر، نفس را بر اطاعت امر خدا و دوری از منهیات مکلف نما، او را به صبر و شکیبائی در هنگام آفات و بلا عادت ده. در وقت مقدرات، صبر و رضا، و در هنگام نعمت، شکر و سپاس واجب است. هرگاه چنین بودی تمام موانع از پیش پایت برداشته میشود، حضور حق برایت حاصل می گردد، یار و یاور و رفیق واقعی بدست میآوری، بهر سوئی که توجه کنی گنجی از خزانه معنویت حق خواهی یافت، و دیگر توجه نداری به کجا وارد شده ای و در کجا هستی، زیرا هر کجا که بیفتی، برداشته میشود، تمام انس و جن در خدمتت قرار میگیرند، همه چیز و همه کس از تو بیم دارند، زیرا هر کس از خدا بترسد، همه از او مترسند، و هر کس از خدا باک نداشت، باید از هر کس و هر چیزی بترسد. هر که خدای را خادم بود، همه در خدمتش حاضرند، چون او بندگی خدای را ضایع نگردانید، و از اینرو مورد احترام دیگران واقع میشود.

**«كَمَا تَدِينُ تُدَانُ، كَمَا تَكُونُوا يُوَلَّ عَلَيْكُمْ»** - (همانگونه که خدمت کردی، به همان سان خدمت کرده میشوی، هر سان که باشی، بدانگونه بر شما فرمانروائی میکنند).

بار خدایا، در دنیا و آخرت با احسان و لطف و بزرگواری بام رفتار کن.

و«آتنا فى الدنيا حسنه وفى الآخرة حسنه وقنا عذاب النار» آمين.